

مرزبان تعطیلی ندارد

جاوید-شهامت | مرز فقط یک برج دیده بانی وعده ای که چشم دوخته اند به آن طرف یک خط تا نکند خبری شود. نیست. مرزبانی را هم می شود جور دیگر دید، نه فقط از چشمان اشک بار مادری که روز اعزام، پسرش را بدرقه می کند یا آن ها که خبر شهادت عزیزشان را می شنوند. چند دهه می شود که به سلامت از مرزهای شرقی کشور محافظت می کنند و هنوز هم پای کار ایستاده اند و سربازانی که برای خدمت اعزام می شوند، نیروهای تازه نفس آنان برای پاسداری از کیلومترها مرز وطن هستند. کمتر کسی یاد شان می کند و پیگیر شنیدن خاطر انشان می شود. در حالی که تعریف کردنی ها کم نیست. حالا خودشان مهمان تحریریه شهرآرا شده اند. چند نفری از گروه معاونت اجتماعی مرزبانی استان با لباس و سلاح که با خود آورده اند، می خواهند اعضای مجموعه را بیشتر از حس و حال و اهمیت خدمتشان آگاه کنند. از خیلی نزدیک.

گزارش روز



عکس: عیوض کرمانی/شهرآرا

خودرو در وضعیت راحت تری باشد. آن طور که بیهقی تعریف می کند، وقتی خودرو به پاسگاه می رسد، آن بانو دچار درد زایمان می شود. خوشبختانه بهیار و آمبولانس در پاسگاه مستقر بودند و با راهنمایی های بهیار و بانوی دیگر افغانستانی، زایمان انجام می شود و مادر و طفل برای ادامه مراحل، با آمبولانس به صالح آباد تربت جام منتقل می شوند. خودش با خنده ای که به لب دارد، می گوید: بعد از مرخصی از بیمارستان، همسر آن خانم برای تشکر خودش را رسانده بود به پاسگاه و این یکی از زیبایی های مرز در کنار دشواری های حراست از آن است.

که در پاسگاه های مرزی کم است، و گر نه صحنه های زیبا برای مستند سازی زیاد پیش می آید، « حرف اصلی اش این است که به خانواده ها و جوانان بگوید مرز نگران کننده نیست و اوضاع مدت ها ست خیلی تغییر کرده است: اسم کلمه مرز که می آید، کمی نگران کننده است برای خانواده ها. خدمت سربازی بانوجه به امکانات و موقعیت، دیگر سختی زمان های قدیم را ندارد. اوایل سال ۱۳۸۳ که من در سازمان استخدام شدم، نه تلفنی بود و نه امکاناتی. دست کم تا سال ۱۳۹۰.

اما اکنون خدمت آسان تر شده است. همین جایی که مرز نگرانی ندارد، کمی دوری دارد. اگر بیا یید و دیدگاه سربازان مستقر در محل را ببینید، متوجه می شوید

که وضعیت طوری است که دوست ندار ند به شهر خودشان برگردند. سربازان زیادی از شمال کشور و استان های دیگر داریم که بعد از چند ماه با علاقه همان جا مانده اند.

● بازدیدهای عمومی

«امنیت در مرزها آن قدر زیاد است که تا خود نقاط

صفر مرزی مان کشور و دامداری داریم. عزیزان مرزنشین که به این مشاغل اشتغال دارند، با کارت های تردد به امورات خود مشغول اند.» یک پیشنهاد را هم با آسودگی پس از جمله تأکید قبل اضافه می کند: حاضریم بستر حضور خبرنگاران شهرآرا در نقاط مرزی استان را فراهم کنیم. پیشنهادی که با استقبال روبه رو می شود. در ادامه، از خدمتی می گوید که به همسایه های افغانستانی ارائه می شود:

گاهی که اتباع مراجعه می کنند، به عنوان مثال دچار ساحت تصادف شده اند یا در حملات انتحاری در خاک افغانستان آسیب دیده اند یا به هر دلیل دیگری نیاز به درمان فوری دارند، مرزبان درجه یک ما مجوزی به فرد می دهد که با آن می تواند

تا بیمارستان نزدیک به مرز برود و برگردد. او در عین حال از بازدیدهایی یاد می کند که برای گروه هایی مانند مادران شهدا یا دانشجویان برگزار شد تا خودشان در مرز اوضاع را ببینند و نگرانی نداشته باشند.

برای اینکه مردم عادی بدانند سرباز شدن مرز به معنی حضور مداوم در موقعیت های دلپره آور نیست. ● از ۱۵ تا ۲۵ کیلوگرم بار

بخش دیگری از این دیدار، نمایش لباس ها و سلاح های سبکی است که با خود آورده اند. حمل بیست کیلوگرم بار برای چند ساعت پی در پی را تصور کنید، آن هم نه در وضعیت خوب و آیدتال، بلکه زیر تیغ آفتاب و در گرمای طاقت فرسای تابستان، همین طور در بادهای بی ملاحظه، بارندگی ها و سوز سرمای زمستان. به تصوراتتان این را هم اضافه کنید که باید در اوضاع یادشده کار حساس مرزبانی را انجام بدهید. وزنی که گفته شد، مربوط به جلیقه ضد گلوله، کلاه و یکی از انواع سلاح های گرنیوف، کلش و آرپی جی

همین جا می گویم مرز نگرانی ندارد، کمی دوری دارد. اگر بیا یید و دیدگاه سربازان مستقر در محل را ببینید، متوجه می شوید که وضعیت طوری است که دوست ندار ند به شهر خودشان برگردند. سربازان زیادی از شمال کشور و استان های دیگر داریم که بعد از چند ماه با علاقه همان جا مانده اند



تحمل خانه به دوشی و تقویت تاب آوری

تکتم جاوید

گفت و گو

«تا چشم به هم زدیم، سال سر رسید.» این جمله را برای آمدن عید نوروز نمی گویند. خبر تلخی است از یادآوری یک فرصت روبه پایان. برای جمع زیادی از خانواده ها که طقس جدیدتر این اظهار نظر ها ۵۱ درصد جامعه کشور را تشکیل می دهند، برای مستأجرها.

تفاوتی ندارد سالشان کی تمام می شود، همیشه از دوسه ماه پیش تر برایش نگرانی دارند و دل شوره. این یکی از رایج ترین عوامل استرس زا در میان خانواده هاست. همیشه در برزخی هستند که صاحب خانه برایشان چه نسخه ای می پیچد. مینا تا چشم باز کرده تاالان که به خانه بخت رفته، مستأجر است، می شود گفت همه ۴۵ سال عمرش را. اما هر سال بیشتر از سال قبل نگران است: «فکرو خیال هزینه های زندگی، در دسر بچه ها، بیماری و هزارویک مسئله دیگر به کنار، تا وقتی می خواهم نفس راحتی بکشیم و به خوشی ها فکر کنیم، یادمان می افتد سال دارد به سر می رسد و سر و کله صاحب خانه پیدا می شود. اگر کنار نیاییم هم باز سختی اسباب کشی هست.»

در این اسباب کشی دائمی و تغییر آدم ها فقط محله و امنیت آن نیست که آسیب می بیند، بلکه فرد و سلامت روانی او و اعضای خانواده هم با آسیب های جدی روبه رو می شود. چند سالی است که با این اسباب کشی مدام، مفهوم هم محلی بودن از بین رفته است. در حالی که اگر همسایگی از بین برود، شخصیت افراد آسیب می بیند، چرا که بخشی از شخصیت فرد در گروه هم سالان شکل می گیرد و همسایه یکی از این گروه هاست. برای اقتصاد و کاهش اجاره خانه و نوسان بازار کاری نمی شود. کم اما اگر بدانیم این عوامل بیرونی چگونه سبب ضربه زدن به روح و روان خانواده می شود، می توان آگاهانه تر با آن کنار آمد.

دست بردارید

زندگی دنیا کوتاه و کم ارزش است، بسیار کوتاه تر و کم ارزش تر از آنچه فکرش را می کنیم. این را همه می دانیم، ولی گاهی فراموش می کنیم و آن چنان در عرصه های مختلف زندگی دنیا تاخت و تاز می کنیم که گویی عمری جلودان داریم و این سرای فانی همان جایی است که همیشه برای ما می ماند. گویی این خاصیت انسان است که رحلت به سرای ابدی را فراموش می کند و از یاد می برد برای چه خلق شده است و چه تکالیفی بر عهده دارد. بر همین

اساس، زندگی دنیا را ناخودآگاه یا از سر نسیان پایدار می داند و خلقت انسان را فقط محدود به این زمان و مکان می پندارد. اما زهی خیال باطل! عمر دنیا بسیار رود گذر و بی برکت است و بنا به فرمایش امیرالمؤمنین^(ع)، «فرصت ها مانند ابر به سرعت می گذرند، پس چه زیان کار است کسی که برای منفعت کوتاه و بی ارزش دنیا، آخرت خویش را تیا به کند. این چنین است که گویی همواره ندایی از اعماق وجود انسان و وجدان های بیدار ما را می خواند و نهیب می زند که ها! ای فرزندان آدم دست بردارید از هر آنچه شما را از خودتان دور می کند، روح معنویت، شرافت و وجودتان را ضایع می کند و مسیر مراتب پیشرفت و تعالی شما به سوی ملکوت زندگی ابدی را مسدود می سازد. باید از همه خودپسندی ها، دنیا طلبی ها، اسراف ها، تیزبیرها، تجملات، کینه ها، تزویرها و... دست بردارید و موس جان خود را در دریای معرفت، اخلاص و تقوا بشویید، به سوی انسانیت و اخلاق هجرت کنید تا به قول حافظ «کمبای عشق بیایید وزر شوید».

● بگذارید و بگذرید

زندگی اجتماعی به گونه ای است که همواره این احتمال وجود دارد انسان ها از یکدیگر دل گیر شوند. بین آنان مشاجره شود، احساس کنند کسی حق آن ها را ضایع کرده اند یا اینکه آدمی خواسته یا ناخواسته پایش را در کفش دیگران کند. یک روز کسی از دست وزبان ما می رنجد، روز دیگر ما از کسی می رنجیم و این رفت و آمدها تا زمانی که زندگی جاری است، ادامه دارد. اینکه این مسئله یک کمبای عشق بیایید وزر شوید، شکی نیست، اما نکته مهم شیوه رویارویی با پیچ وخم ها و پستی و بلندی های زندگی است. عده ای زود از کوره در می روند و هرگونه نااملا یمنی را به بدترین شکل پاسخ می دهند و عده ای با سعه صدر مسائل را حل می کنند و از دیگران و اشتباهات آنان درمی گذرند. برخی افراد توقع دارند محیط اجتماعی هرگونه اشتباه آن ها را نادیده بگیرد، ولی زمانی که خودشان در چنین مقامی قرار می گیرند، کوچک ترین گذشتی از خود نشان نمی دهند. گاهی ما انسان ها در مقایسه با دیگران، جنبه های مثبت خویش را بیش از آنچه واقعیت دارد در نظر می گیریم و عیوبمان را کمتر از آنچه که هست، می بینیم. در نتیجه، به جنبه های مثبت دیگران کمتر توجه می کنیم. این مسئله روابط اجتماعی و به ویژه روابط خانوادگی ما را مخدوش می کند. گذشت کردن ثمرات قابل توجهی دارد و موجب طولانی شدن عمر شخص بخشنده می شود، وجدان آدمی را آرام می کند، خانه دل را از کینه و انتقام به عنوان مهلک ترین بیماری خالی می کند، روح عفو کننده بزرگ و بزرگوار می شود. محبوبیتش میان گروه های مختلف مردم افزایش می یابد و در نهایت این روحیه گذشت از بدی های دیگران به عنوان یک فرهنگ و ارزش عالی انسانی به همسر و فرزندان و اطرافیان و... منتقل می شود.

● باید گذاشت و گذشت

گذشت به عنوان یک خصوصیت مثبت انسانی، زیباترین جلوه های کرامت اخلاقی را به تصویر می کشد. این مسئله در مناسبات اجتماعی به ویژه در زندگی مشترک، حضور مؤثری دارد. زن و شوهر بیش از هر مجموعه انسانی دیگر باید نسبت به هم روحیه بزرگ منشی و کرامت داشته باشند. یکی از نشانه های بزرگ منشی، عفو و گذشت و مدارا نسبت به هم است. زندگی مشترک به گونه ای است که زن و شوهر به طور طبیعی در رفتار و گفتار هم دقیق می شوند و به عیوب هم پی می برند. اما نباید این مسئله به بازگو کردن عیوب هم و سرزنش یکدیگر منجر شود، چرا که در این صورت، شادانم از صحنه زندگی به بیرون رانده می شود و جوی آکنده از بدبینی و دشمنی بر فضای زندگی حاکم می شود. مدارا و گذشت، ما را ملزم می کند که درباره همسرمان به جای عیب جویی، عیب پوشی را برگزینیم و در مواردی، تغافل را سرلوحه مناسبات خود قرار دهیم. یعنی وانمود کنیم که از اشتباه طرف مقابل بی اطلاع هستیم. چقدر زیباست در جایی که انسان توانایی تلافی کردن و انتقام گرفتن را دارد، با کرامت از اشتباه دیگران بگذرد و خدای مهربان را گواه عمل خویش قرار دهد و این اوج قدرت انسان است. سؤال اساسی این است که انسانی که از اشتباهات و قصور مردم در حق خویش گذشت نمی کند، چگونه توقع دارد خدای مهربان رشتنی های عمل او را ببویشاند. گناهانش را نادیده بگیرد و او را ربابه مرزد؟ امام علی^(ع) می فرمایند: «بگذارید و بگذرید، ببینید و دل مبنیدید، چشم ببندید و بدو دل مبارزید که دیر یازود باید گذاشت و گذشت.»

افکارت را به اشتراک بگذار

تا آینده را ترسیم کنیم

راه های ارتباطی
۰۵۰۰۰۷۲۲۸۹
۰۵-۳۷۲۸۸۸۸۱



شهرآرا

شهرآرا
شهرآرا
شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا

شهرآرا